یادداشت

برزین جعفرتاش
پژوهشگر توسعه

رونمایی هلند از سیاست صنعتی جدید خود؛ تمرکز بر شش بازار کلیدی

آنهایی که انتخاب نمی‌کنند خواهند باخت!

دولت هلند با ابتکار وزیر امور اقتصادی، وینسنت کاررمانس، سیاست صنعتی جدیدی را تصویب کرده است که بر تمرکز هدفمند بر تعداد محدودی از حوزه‌های راهبردی استوار است. به گفته وزیر، اقتصاد هلند با خطر از دست دادن کنترل آینده خود مواجه شده؛ زیرا سرمایه و استعدادها در حال خروج از کشور بوده و نوآوری‌های ما در حال عقب افتادن از رقابت جهانی است و وابستگی به سایر کشورها افزایش یافته است. به گفته او رویکرد قدیمی تلاش برای پوشش همزمان همه حوزه‌ها باعث شده هلند در هیچ زمینه‌ای برتری قاطع نداشته باشد و در جهانی که سرعت، مقیاس و تمرکز تعیین‌کننده‌اند، «انتخاب نکردن» به معنای شکست است.

بر همین اساس، کابینه تصمیم گرفته است از ابتدای سال ۲۰۲۶ سیاست فعلی را کنار بگذارد و منابع و برنامه‌ها را بر شش بازار منتخب متمرکز کند؛ بازارهایی که هلند در آنها موقعیت اولیه قوی دارد و می‌تواند در سطح جهانی رقابت کند. این تغییر رویکرد پاسخی به چالش‌های مهمی مانند کمبود نیروی کار، فشار بر شبکه برق، محدودیت فضا و تشدید تنش‌های ژئوپلیتیک است. دولت معتقد است اگر هلند می‌خواهد تا دهه‌های آینده در جمع اقتصادهای پیشرو باقی بماند، باید همین امروز تصمیم‌های مشخص و گاه دشوار بگیرد.

کشورهایی مانند ایالات متحده و چین با سرمایه‌گذاری‌های عظیم در فناوری و صنعت، در حال جذب شرکت‌ها، دانش و نیروی انسانی متخصص هستند و از این طریق قدرت بازار و نفوذ اقتصادی خود را افزایش می‌دهند. در چنین شرایطی، هلند نمی‌تواند با پراکندگی منابع محدود خود رقابت کند. سیاست جدید بر این اصل استوار است که تمرکز بر حوزه‌هایی با بیشترین ظرفیت رشد و اثرگذاری، بهترین راه برای حفظ اشتغال، رفاه و استقلال اقتصادی کشور است.

شِش بازاری که به‌عنوان اولویت تعیین شده‌اند بر پایه پتانسیل اقتصادی، موقعیت استراتژیک و نقش‌شان در حل چالش‌های اجتماعی انتخاب شده‌اند:

- **نیمه‌هادی‌ها (Semiconductors)**: بازاری با رشد سالانه حدود ۸٫۷٪ که برای هوش مصنوعی، گذار انرژی و امنیت دیجیتال حیاتی است؛ هلند در شاخه‌هایی همچون کوانتوم و فوتونیک موقعیت‌های تخصصی دارد.
- **بیوتکنولوژی:** شامل حوزه‌های پُررشد مانند درمان‌های سلولی و ژنی (۱۵٫۴٪ رشد سالانه) و پروتئین‌های جایگزین (۱۴٫۱٪ رشد)؛ این حوزه می‌تواند داروهای جدید، مواد بازیافتی و امنیت غذایی را تقویت کند.
- **فناوری‌های دفاعی:** از جمله G6، رادار، ارتباطات لیزری ماهواره‌ای و فناوری‌های کوانتومی که هم بازار رشد و هم اهمیت امنیتی دارند.
- **خدمات دیجیتال (به‌ویژه هوش مصنوعی):** با رشد میانگین ۱۶٫۸٪ در سال، تقویت خودکفایی دیجیتال و کاربردهایی در سلامت، انرژی و امنیت را هدف دارد.
- **ماشین‌سازی:** شامل ماشین‌آلات برای بخش کشاورزی-غذایی (رشد ۱۷٫۱٪)، فناوری‌های پزشکی (MedTech، ۵٫۲٪) و ماشین‌آلات تولید چیپ که به اتوماسیون، سلامت و پایداری کمک می‌کنند.
- **شیمی نوآورانه:** بخش‌های سریع‌الرشد مثل بیوفیول‌ها (۲۱٫۹٪) و مواد دایره‌ای، زیست‌بنیاد و پیشرفته (۲۷٪) که به کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی و تحقق پایداری کمک می‌کنند.

دولت برای هر یک از این بازارها برنامه‌های مشخصی طراحی خواهد کرد که شامل تمرکز منابع انسانی و مالی، تقویت اکوسیستم‌های نوآوری، بهبود دسترسی به سرمایه، کاهش موانع مقرراتی و رفع مشکلات زیرساختی است. در عین حال، ابزارهای عمومی حمایت از نوآوری و مشوق‌های مالیاتی برای همه کسب‌وکارها حفظ می‌شود. هدف نهایی این سیاست آن است که تا سال ۲۰۳۰ سهم صنعت به دست‌کم ۱۵ درصد تولید ناخالص داخلی برسد و سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه به حداقل ۳ درصد تولید ناخالص داخلی افزایش یابد؛ رویکردی که به باور دولت، آینده اقتصادی و رفاه پایدار هلند را تضمین خواهد کرد.

تصمیمات غیرقابل پیش‌بینی چگونه به بنگاه‌ها ضربه می‌زند؟

راهکارهایی برای ثبات بخشی به فضای کسب و کار

گزارش

احمد مرکزمالمیری
پژوهشگر مطالعات قانونگذاری و محیط کسب‌وکار

در تازه‌ترین مطالعه صورت گرفته مبتنی بر محتوای صورتجلسات شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی استان تهران در بازه زمانی فروردین ۱۳۹۶ تا شهریور ۱۴۰۳، تأثیرات نامطلوب بی‌ثباتی سیاست‌ها، قوانین، مقررات و رویه‌های اجرایی بر محیط کسب‌وکار در ایران، با تمرکز بر چالش‌های خاص استان تهران بررسی شد.

اهداف این مطالعه شامل موارد زیر بود:

نخست، شناسایی و دسته‌بندی عوامل مخل کسب‌وکار و مشکلات و معضلات مطرح‌شده در جلسات شورای گفت‌وگوی استان تهران؛ دوم، شناسایی مصادیق سیاست‌ها، قوانین، مقررات و رویه‌های اجرایی بی‌ثبات، مطرح‌شده در شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی استان تهران؛

سوم، ارائه پیشنهادهایی برای برقراری ثبات نسبی در سیاست‌ها، قوانین، مقررات و رویه‌های اجرایی مؤثر بر کسب وکار.

در این مطالعه سعی شد به سؤالات ذیل پاسخ داده شود:

نخست، مهم‌ترین موانع و مشکلات کسب‌وکارها که در جلسات شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی استان تهران طرح شده کدامند؟

دوم، مهم‌ترین سیاست‌ها، قوانین و مقررات و رویه‌های اجرایی بی‌ثبات‌کننده و طبعاً بی‌ثبات‌کننده محیط حقوقی کسب‌وکار کدامند؟

سوم، چه راهکارهایی در شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی استان تهران برای اجتناب از رفتارهای بی ثبات کننده محیط حقوقی کسب‌وکار پیشنهاد شده است؟

ثبات سیاست‌ها، قوانین و مقررات و رویه‌های اجرایی، از جمله پیش‌نیازهای اصلی برای رشد اقتصادی پایدار است. مطالعات نشان می‌دهند که سیاست‌های باثبات و قابل پیش‌بینی، سرمایه‌گذاری بلندمدت را تشویق کرده و بهره‌وری بنگاه‌ها را افزایش می‌دهند. بی‌ثباتی سیاست‌ها، قوانین و مقررات و رویه‌های اجرایی به‌طور مکرر و بدون پیش‌بینی تغییر می‌کنند. این تغییرات می‌توانند شامل اصلاحات ناگهانی در قوانین و مقررات مالیاتی، تغییرات در سیاست‌های ارزی یا بازنگری در مقررات تجارت خارجی (فرامرزی) باشند.

بی‌ثباتی سیاست‌ها، قوانین و مقررات و رویه‌های اجرایی که به‌کرات در جلسات شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی استان تهران مطرح شده و به‌عنوان عوامل مخل کسب‌وکار مورد تأکید قرار گرفته، آسیب‌های متعددی را در بخش‌های مختلف اقتصادی ایجاد کرده است.

بی‌ثباتی مؤلفه‌های مورد بحث در حوزه‌های تجارت خارجی، ارز، گمرک، تعرفه و عوارض گمرکی، مالیاتی و بیمه‌های تأمین اجتماعی، به‌عنوان موانع فعالیت و توسعه کسب‌وکارها در استان تهران شناسایی شده است. تغییرات مکرر و غیرقابل‌پیش‌بینی در قوانین و مقررات، منجر به کاهش اطمینان سرمایه‌گذاران، افزایش ریسک‌های تجاری و کاهش بهره‌وری بنگاه‌ها شده است. به‌عنوان مثال، پیچیدگی و عدم شفافیت در فرآیندهای اخذ مجوز، هزینه‌های عملیاتی کسب‌وکارها را افزایش داده و ورود کارآفرینان جدید به بازار را دشوار ساخته است. علاوه براین، بی‌ثباتی در سیاست‌های اقتصادی، بویژه در بخش‌های نوآورانه مانند انرژی‌های تجدیدپذیر، سرمایه‌گذاری را محدود کرده و توسعه این حوزه‌ها را با چالش مواجه کرده است. آسیب‌های ناشی از بی‌ثباتی سیاست‌ها، قوانین و مقررات و رویه‌های اجرایی به کسب‌وکارها را می‌توان به شرح زیر دسته‌بندی کرد:

۱. ایجاد سردرگمی، عدم اطمینان و اختلال در برنامه‌ریزی
۲. اختلال در فعالیت‌های تولیدی و تجاری و ایجاد موانع کسب‌وکار
۳. افزایش هزینه‌ها و تحمیل بار مالی سنگین
۴. کاهش توان رقابتی و آسیب جدی به صادرات
۵. مشکلات در تأمین مالی و دسترسی به تسهیلات بانکی
۶. ضعف در نظارت، اجرا و هماهنگی بین دستگاهی و بروز فساد

بررسی صورتجلسات شورای گفت‌وگوی استان تهران نشان می‌دهد که بسیاری از قوانین و مقررات مرتبط با تجارت، گمرک، مالیات، تأمین اجتماعی و محیط زیست، دچار تغییرات مکرر، بدون ارزیابی تأثیرات پیشینی و پسینی بوده‌اند. به‌عنوان مثال، قوانین و مقررات مربوط به صادرات و واردات کالاها و عوارض صادراتی به‌طور ناگهانی و بدون اطلاع قبلی تغییر یافته‌اند که باعث سردرگمی فعالان اقتصادی شده است. صورتجلسات بررسی‌شده بیانگر آن است که بیشترین چالش‌های کسب‌وکارها در حوزه قوانین و مقررات در استان تهران، به حوزه مالیاتی مرتبط است.

برهمین اساس، در میان پیشنهادهای ارائه‌شده، پیشنهادهای مربوط به اصلاح قوانین و مقررات مالیاتی از اهمیت بسزایی برخوردار است. سایر پیشنهادها به حوزه‌های سرمایه‌گذاری، صادرات، زیرساخت و اصلاح آماری مربوط می‌شوند. تمرکز بر ابزارهای مشارکتی و هماهنگی بین نهادها نیز از نکات برجسته سیاست‌های پیشنهادی در جلسات شورای گفت‌وگوی استان تهران محسوب می‌شود.

برای رفع معضل بی‌ثباتی در سیاست‌ها، قوانین و مقررات و رویه‌های اجرایی یا دست‌کم کاهش آثار مخرب آنها بر کسب‌وکارها، راهکارها و پیشنهادهای متعددی در پژوهش مطرح شده است. این پیشنهادها عمدتاً بر افزایش ثبات و قابلیت پیش‌بینی محیط کسب‌وکار متمرکز هستند. عناوین پیشنهادهای مطرح‌شده به این شرح است:

۱. بهبود فرآیند تدوین و تصویب قوانین، مقررات و رویه‌ها: الزام به ثبت و انتشار عمومی مقررات در پایگاه اطلاعاتی قوانین و مقررات مرتبط با محیط کسب‌وکار، اطلاع‌رسانی عمومی مقررات و رویه‌ها پیش از اجرا و تعیین مهلت مقتضی برای رعایت آن‌ها، نظرخواهی و مشارکت بخش خصوصی در فرآیند تدوین مقررات، نظام‌مند کردن فرآیند تدوین و تصویب مقررات، شفافیت، قابلیت اجرا و حمایت از منافع ذی‌نفعان در تدوین مقررات

۲. بهبود فرآیند اجرا و کاهش بوروکراسی: ایجاد هماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی، افزایش شفافیت در رویه‌های اجرایی و دسترسی کافی به اطلاعات، کاهش بوروکراسی پیچیده و طولانی و ایجاد وحدت رویه در اجرا

۳. ایجاد ثبات در اقتصاد کلان: لزوم ایجاد ثبات در متغیرهای اقتصاد کلان، توجه به تبعات اقتصادی سیاست‌ها و جلوگیری از دخالت‌های ناگهانی دولت

۴. بهبود نظام قضایی مرتبط با کسب‌وکار: تسریع در رسیدگی به پرونده‌های قضایی مرتبط با کسب‌وکار، ایجاد شعبه‌های تخصصی رسیدگی به دعاوی تجاری

بدیهی است که برقراری ثبات نسبی در محیط حقوقی کسب‌وکار، مستلزم اصلاحاتی بنیادین در وجوه مختلف حکمرانی است. این اصلاحات، شامل حوزه‌های متعدد سیاسی (داخلی و خارجی)، اقتصادی، حقوقی، مدیریتی، اجتماعی و... است. به‌عنوان یک راهکار در دسترس و کوتاه‌مدت برای ثبات‌بخشی بیشتر به «مقررات»، ماده (۲۴) و ماده (۳۰) الحاقی به «قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار» ظرفیت مناسبی برای افزایش پیش‌بینی‌پذیری و ثبات مقررات ایجاد کرده‌اند. این ظرفیت به‌دلیل نقش مهم مقررات در بی‌ثبات کردن یا ثبات‌بخشی در اقتصاد، به نسبت قوانین و رویه‌های اجرایی، بسیار حائزاهمیت است. طبق ماده (۳۰) الحاقی به «قانون بهبود...»، دستگاه‌های اجرایی مکلف شده‌اند پیش‌نویس مقررات خود را یک هفته قبل از صدور، در تارنمای (سایت) خود به اطلاع عموم و فعالان اقتصادی برسانند. همچنین دستگاه‌های اجرایی موظف شده‌اند هرگونه مقرره خود را بلافاصله در پایگاه مذکور ثبت نمایند و به اطلاع عموم برسانند. طبق ماده مذکور، یک سال پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون، مقررات تنها در صورت ثبت در «پایگاه اطلاعات قوانین و مقررات مرتبط با محیط کسب‌وکار» نافذ خواهند بود. به‌موجب ماده (۲۴) قانون مذکور نیز دولت و دستگاه‌های اجرایی مکلفند «هرگونه تغییر سیاست‌ها، مقررات و رویه‌های اقتصادی را در زمان مقتضی قبل از اجرا، از طریق رسانه‌های گروهی به اطلاع عموم برسانند».

جزئیات اجرای ماده (۳۰) «قانون بهبود...» در آیین‌نامه اجرایی آن با عنوان «آیین‌نامه لزوم ثبت و اطلاع‌رسانی مقررات در پایگاه اطلاعات قوانین و مقررات مرتبط با محیط کسب‌وکار» (مصوب ۱۴۰۲/۱/۳۰ هیأت‌وزیران) مقرر شده است. در ماده (۲) آیین‌نامه مذکور تصریح شده: «دستگاه‌های اجرایی مکلفند در تدوین یا اصلاح مقررات و رویه‌های اجرایی مرتبط با محیط کسب‌وکار، نظر اتاق‌ها و تشکل‌های کارفرمایی و کارگری که عضو اتاق‌ها نیستند و سایر تشکل‌های اقتصادی ذی‌ربط را اخذ و مورد توجه قرار دهند و در صورت لزوم، از آنها برای شرکت در جلسات دعوت کنند. در مواردی که دستگاه اجرایی، تصویب مقرره‌ای را به مراجع ذی‌صلاح پیشنهاد می‌نماید، مکلف است پیشنهاد خود به همراه اطلاعاتی از قبیل اسناد پشتیبان، قوانین و مقررات مرتبط، آثار وضع مصوبه جدید بر مقررات پیشین، نظرات دریافتی از تشکل‌های اقتصادی ذی‌ربط و گزارش توجیهی پذیرش یا رد آنها را در قالب دستورالعمل ابلاغی توسط معاونت حقوقی رئیس‌جمهور به مراجع تصمیم‌گیرنده ارسال نماید». شایان ذکر است در آیین‌نامه اجرایی ماده (۳۰) و همچنین آیین‌نامه اجرایی ماده (۲۴) تصریح شده که تکالیف مندرج در هر دو آیین‌نامه باید براساس «دستورالعمل نحوه تدوین پیش‌نویس مقررات مرتبط با محیط کسب‌وکار» (مصوب ۱۴۰۳/۲/۱ معاون حقوقی رئیس جمهور) به اجرا برسد.

گرچه اصلاحات فرآیندی در تدوین و تصویب مقررات، اصلاحاتی شکلی و رویه‌ای است، اما این اصلاحات می‌توانند تأثیرات مطلوب عمیق و مفیدی بر کیفیت مقررات و در نتیجه، کیفیت حکمرانی بر جای بگذارند. اجرایی شدن آیین‌های نظرخواهی و مشارکت بخش خصوصی در تدوین مقررات و رعایت اصولی مانند درج مقدمه توجیهی و تعیین اثر وضع مقرره بر مقررات پیشین، در مجموع می‌تواند به موانعی سترگ برای دستگاه‌ها و مقامات اجرایی در وضع مقررات ناگهانی و خلق‌الساعه تبدیل شود و ثباتی نسبی در محیط حقوقی کسب‌وکار برقرار سازد. به‌بیان دیگر، کنترل کمیت مقررات از طریق اِعمال قواعد سختگیرانه و تشریفات بیشتر بر وضع مقررات، می‌تواند به تحقق هدف ارتقای کیفیت مقررات و متعاقب آن، بهبود حکمرانی بینجامد.

نتایج این مطالعه در کتاب «موانع کسب‌وکار و مصادیق بی‌ثباتی سیاست‌ها، قوانین و مقررات و رویه‌های اجرایی (بر اساس مستندات شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی استان تهران)» توسط نشر اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران به تازگی منتشر شده است.

> اجرایی‌شدن آیین‌های نظرخواهی و مشارکت بخش خصوصی در تدوین مقررات و رعایت اصولی مانند درج مقدمه توجیهی و تعیین اثر وضع مقرره بر مقررات پیشین، در مجموع می‌تواند به موانعی سترگ برای دستگاه‌ها و مقامات اجرایی در وضع مقررات ناگهانی و خلق‌الساعه تبدیل شود و ثباتی نسبی در محیط حقوقی کسب‌وکار برقرار سازد

تحلیل راهبردی انتقال فناوری و اثرات سرریز در سرمایه‌گذاری‌های مشترک

چرا «جوینت ونچر»؟

گزارش

فرآیند توسعه صنعتی در کشورهای در حال گذار، همواره با چالش چگونگی دستیابی به دانش فنی پیشرفته و بومی‌سازی آن روبه‌رو بوده است. یکی از مؤثرترین مدل‌ها در این مسیر، تشکیل بنگاه‌های مشترک یا همان «جوینت ونچرها» میان شرکت‌های پیشروی بین‌المللی و واحدهای صنعتی داخلی است. این الگو نه تنها به عنوان کانالی برای ورود سرمایه مادی، بلکه به عنوان بستری برای انتقال دانش ضمنی و مهارت‌های مدیریتی عمل می‌کند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که انتخاب شریک داخلی در این فرآیند، امری تصادفی نیست؛ شرکت‌های چندملیتی تمایل دارند با واحدهایی همکاری کنند که پیش از این سطحی از بهره‌وری و ظرفیت جذب را از خود نشان داده‌اند. این گزینش‌گری باعث می‌شود که هسته‌های اولیه توسعه در بخش‌هایی شکل بگیرد که پتانسیل رشد قابل توجهی دارند. زمانی که یک شرکت خارجی دانش خود را به یک بنگاه مشترک منتقل می‌کند، این دانش تنها در مرزهای آن بنگاه محصور نمی‌ماند، بلکه از طریق پیوندهای افقی و عمودی به بدنه اصلی صنعت نفوذ می‌کند.

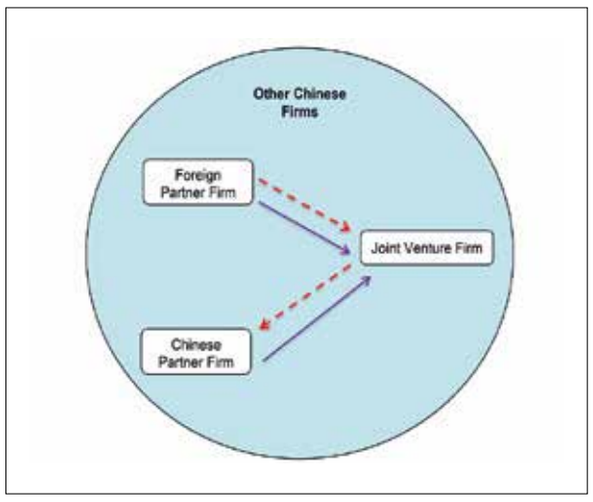

انتقال فناوری

انتقال دانش فناورانه در این مدل به دو صورت داخلی و خارجی رخ می‌دهد. در حالت داخلی، دانش مستقیماً از شرکت مادر خارجی به واحد مشترک مستقر در کشور میزبان منتقل می‌شود تا کیفیت محصول و بازدهی تولید افزایش یابد. اما جنبه حیاتی‌تر، انتقال خارجی یا همان سرریز فناوری است. این اتفاق زمانی می‌افتد که شریک داخلی آن سرمایه‌گذاری مشترک، از آموخته‌های خود در سایر خطوط تولید و فعالیت‌های مستقلش استفاده می‌کند. در واقع، بنگاه مشترک مانند یک مدرسه عمل می‌کند که نیروی انسانی و مدیران داخلی را با استانداردهای جهانی آشنا کرده و این تخصص سپس در کل ساختار شرکت داخلی گسترده می‌شود. این نوع انتقال دانش، ماندگاری بسیار بیشتری نسبت به خرید صرف تجهیزات دارد، زیرا با ارتقای سرمایه انسانی و تغییر در فرهنگ سازمانی همراه است.

علاوه براین، حضور شرکت‌های مشترک در یک بازار، فضای رقابتی را تغییر می‌دهد. اگرچه ورود یک رقیب قدرتمند با فناوری برتر ممکن است در کوتاه مدت سهم بازار برخی شرکت‌های ضعیف داخلی را تهدید کند، اما در بلندمدت، اثرات مثبت سرریز بر این تهدیدها غلبه می‌کند. شرکت‌های محلی برای بقا در بازار ناچار به الگوبرداری از فرآیندهای بهینه، ارتقای کیفیت قطعات و بهبود زنجیره تأمین خود می‌شوند. این پویایی در کشورهایی که سیاست‌های تشویقی برای تحقیق و توسعه وضع کرده‌اند، با شدت بیشتری دیده می‌شود. شواهد از چین نشان می‌دهد که شرکت‌های مشترک نسبت به شرکت‌هایی که صد درصد سهام آنها در اختیار خارجی‌ها یا داخلی‌هاست، اثرات سرریز مثبت و گسترده‌تری بر اقتصاد ملی دارند؛ چرا که در مدل مشترک، انگیزه و امکان بیشتری برای درگیر کردن منابع محلی و آموزش نیروی کار بومی وجود دارد.

تجربه چین

مطابق با مطالب مورد بحث، شواهد تجربی به دست آمده از اقتصاد چین دربازه زمانی ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۷، نکات کلیدی و مستدلی را درباره نحوه اثرگذاری سرمایه‌گذاری‌های مشترک (JVs) ارائه می‌دهد. داده‌های آماری نشان می‌دهند که شرکت‌های خارجی به طور تصادفی با شرکت‌های چینی وارد شراکت نمی‌شوند بلکه تمایل دارند با بنگاه‌هایی همکاری کنند که از نظر بهره‌وری، مقیاس تولید و سابقه نوآوری در سطحی بالاتر از میانگین صنعت خود قرار دارند. این یعنی بخشی از موفقیت جوینت‌ونچرها در چین ناشی از «ظرفیت جذب» بالای شرکای داخلی بوده است. از طرفی یکی از مهم‌ترین یافته‌های تجربی مطالعات جدید، اثبات انتقال دانش از شرکت مشترک به «شرکت مادر چینی» است. به عبارت دیگر، وقتی یک شرکت چینی با یک برند خارجی (مثلاً فولکس‌واگن) یک واحد جدید تأسیس می‌کند، دانش فنی و مدیریتی نه تنها در آن واحد جدید، بلکه در سایر بخش‌های مستقلِ شرکت چینی هم رسوخ می‌کند. این شواهد نشان‌دهنده ارتقای معنادار ثبت اختراعات و بهره‌وری در کل بدنه شرکت‌های داخلی است که شریک خارجی داشته‌اند.

داده‌ها ثابت می‌کنند که اثرات مثبت سرریز فناوری از طریق سرمایه‌گذاری‌های مشترک، تقریباً دو برابر بیشتر از شرکت‌های داخلی و خارجی است. دلیل تجربی این امر، درگیری مستقیم نیروی کار و مدیران محلی در فرآیند تصمیم‌گیری و تولید در مدل جوینت‌ونچر است که مسیر انتقال دانش ضمنی را هموارتر می‌کند. شواهد نشان می‌دهد که حضور جوینت‌ونچرها باعث ارتقای کل صنعت در چین شده است. شرکت‌های محلی که حتی مستقیماً با خارجی‌ها شریک نبودند، از طریق مشاهده الگوهای مدیریتی، جابه‌جایی نیروی کار آموزش‌دیده و رقابت برای بقا، بهره‌وری خود را افزایش داده‌اند.

این یافته‌های تجربی فرضیه «ایجاد بن‌بست برای شرکت‌های داخلی» توسط خارجی‌ها را رد کرده و در عوض، بر نقش پیشران آنها تأکید دارد.

مدل انتقال فناوری در چین

این یکی از مهم‌ترین درس‌هایی است که تجربه چین می‌تواند برای سیاست‌گذاری صنعتی در ایران داشته باشد. چین دسترسی به بازار داخلی خود را مشروط به تشکل جوینت ونچر با خارجی‌ها کرد و از این انتقال فناوری و دانش صنعتی نفع فراوانی برد. برای بهبود وضعیت صنعت و ارتقای سطح فناوری در ایران، نخستین راهکار کلیدی، سیاست‌گذاری صنعتی با تمرکز بر «اجبار به انتقال دانش فنی» به جای مونتاژ صرف است.

دولت‌ها در آینده باید مشوق‌های مالیاتی و تسهیلاتی را به جای کل تولید، به میزان عمق بومی‌سازی قطعات کلیدی و ایجاد مراکز تحقیق و توسعه مشترک گره بزنند. در این چهارچوب، باید از مدل شرکت‌های ۱۰۰ درصد خارجی یا داخلی فاصله گرفت و به سمت تشکیل جوینت‌ونچرهای توانمند حرکت کرد. در گام دوم، ایران باید بر ارتقای «ظرفیت جذب» در بدنه صنعت خود تمرکز کند تا بتواند از سرریزهای تکنولوژیک بهره‌مند شود. این امر مستلزم حذف انحصارات دولتی و ایجاد یک فضای رقابتی است که در آن شرکت‌های داخلی برای بقا، ناچار به یادگیری و الگوبرداری از استانداردهای جهانی باشند.

> اثرات مثبت سرریز فناوری از طریق سرمایه‌گذاری‌های مشترک، تقریباً دو برابر بیشتر از شرکت‌های داخلی و خارجی است. دلیل تجربی این امر، درگیری مستقیم نیروی کار و مدیران محلی در فرآیند تصمیم‌گیری و تولید در مدل جوینت‌ونچر است